

واکاوی و تحلیل مفهوم آزادی از منظر امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۷

احسان عسگری^۱

امیر عظیمی دولت آبادی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و واکاوی مفهوم آزادی در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) به انجام شده است؛ چراکه آزادی یکی از مؤلفه‌های ماهیت انسان است که اگر ظرفیت و قابلیت بالقوه آن بالفعل شود، به‌طور شگفت‌آوری به شکوفایی خلاقیت و استعداد های انسان منجر خواهد شد و شور و نشاط حاصل از آن، جامعه‌ای پویا، فعال و سرزنده ایجاد خواهد کرد، اما اگر این مؤلفه توسط خود انسان یا عوامل بیرونی محدود و سرکوب شود یا مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد، به همان نسبت بخشی از سیر تکاملی انسان ناقص خواهد شد. نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و با تکیه بر روش تحلیل محتوای مجموعه صحیفه امام می‌باشد. چنانچه ابتدا مفهوم آزادی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) مورد بحث قرار گرفته و سپس با تحلیل بیانات و سخنان ایشان، درنهایت، دستاورد پژوهش بدین صورت بوده است که آزادی از حیث معنا، مبانی، ماهیت، مرزها، محدوده، قلمرو و ریشه آن می‌بایست از منظر حضرت امام مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد؛ بنابراین، براساس اطلاعات گردآوری شده به‌طور کلی، می‌توان گفت آزادی بنا به اندیشه امام خمینی (ره) ریشه الهی و وحیانی دارد و محدوده آن براساس قوانین الهی است. **واژگان کلیدی:** آزادی، امام خمینی (ره)، قوانین الهی، منشأ و ریشه آزادی، قلمرو و حدود آزادی، ماهیت و مبنای آزادی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی (مطالعات سیاسی انقلاب)، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی؛ (نویسنده مسئول) askariehsan1372@gmail.com
۲. استادیار جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی؛ aazimii@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

انسان دارای یک ماهیت جسمانی و یک ماهیت روحانی و نفسانی است؛ مجموعه عواملی که ماهیت نفسانی و روحانی انسان را تشکیل می‌دهند، موجب تمایز او از سایر موجودات گشته‌اند. اگر انسان بتواند مؤلفه‌های ماهیت نفسانی خود را به حد عالی به منصفه ظهور و فعلیت برساند و از هرکدام از آنها به‌نحو شایسته استفاده کند، به مراحل بالایی از کمال دست خواهد یافت و اگر در مراتب پایین‌تر یا ابعادی خاص، این کار را انجام دهد، به همان ابعاد به حد کمال خواهد رسید (والی، ۱۳۹۲: ۱).

به‌بیان‌دیگر، می‌توان گفت که آزادی یکی از مؤلفه‌های ماهیت انسان است که اگر ظرفیت و قابلیت بالقوه آن بالفعل شود، به‌طور شگفت‌آوری به شکوفایی خلاقیت و استعدادهای انسان منجر خواهد شد و شور و نشاط حاصل از آن جامعه‌ای پویا، فعال و سرزنده ایجاد خواهد کرد، اما اگر این مؤلفه را خود انسان یا عوامل بیرونی محدود و سرکوب کنند یا مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد، به همان نسبت بخشی از سیر تکاملی انسان ناقص خواهد شد (همان: ۲).

واژه آزادی یا حریت و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر همیشه از توجه برانگیزترین و مورد بحث‌ترین واژگان در جهان بوده و هست. به‌قول منتسکیو، هیچ کلمه‌ای به اندازه آزادی اذهان را به خود متوجه نساخته است (منتسکیو، ۱۳۴۹: ۲۹۲). اگر بتوان هم حرف‌هایی را که در طول تاریخ، دانشمندان جهان درباره آزادی بیان و یا نوشته‌اند گردآوری کرد، خود شبیه دایره‌المعارفی خواهد شد. البته به همان نسبت نیز برداشت‌ها از مفهوم آزادی، متکثر، متفاوت و حتی متضاد بوده است. مرحوم دکتر عنایت عقیده دارد که: آزادی مانند شادی، نیکی و حقیقت از آن‌گونه واژه‌ها در قاموس آدمی است که معانی بسیار دارد و تأویل‌های بی‌شمار می‌پذیرد. لفظ آزادی در پارسی و حریت در عربی، در فرهنگ‌نامه‌ها دست‌کم به ده معنای گوناگون آمده است. واژه آزادی را در زبان انگلیسی به حدود یکصد معنای گوناگون تفسیر کرده‌اند. در فلسفه اخلاقی و سیاسی به‌طور عام، دو مفهوم از آزادی بیش از مفاهیم دیگر رایج و معتبر بوده است که یکی را به صفت (منفی) و دیگری را به صفت (مثبت) باز خوانده‌اند (شکوری، ۱۳۷۸؛ فاضل میبدی، ۱۳۷۸: ۴۳۱). آیزایا برلین، دانشمند انگلیسی روسی الاصل و استاد دانشگاه آکسفورد، پا را از این

فراتر گذاشته و اظهار می‌دارد: آزادی با معانی فراوان است؛ به طوری که بیش از دو‌یست معنای گوناگون نویسندگان تاریخ عقاید برای آن ضبط کرده‌اند (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶). وی در جای دیگر می‌گوید: معنای اصلی آزادی عبارت است از آزادی از بند و زندان، آزادی از بردگی غیر، باقی هرچه هست توسع در این معنا یا معنای مجازی است (برلین، ۱۳۶۸: ۷۱).

همان‌طور که مطرح شد، آزادی مفهومی گسترده است که معانی مختلفی دارد، لکن فصل مشترک خواسته جامعه بشری، از جمله مردم ایران از گذشته یعنی دوره قاجاریه به بعد، نیز بوده است. این خواسته در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی هم در شعارهای مردم متجلی است و هم در سخنان بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی وجودی آشکار دارد. اهمیت مفهوم آزادی به حدی بود که امام خمینی (ره) همواره در بیانات و فرمایشات خود بر آن تأکید ورزیده‌اند و بارها و بارها ارزش و اهمیت آن را مورد خطاب قرار داده‌اند و سعی نموده‌اند نگرش دینی و اسلامی این مفهوم را همیشه به مردم نشان داده و در پیروزی انقلاب اسلامی نیز از آن بهره‌مند گردد. در این راستا، فهم معنای آزادی، محدوده آن و حوزه‌های اجتماعی آزادی موضوع اصلی است که سعی شده در این مقاله بدان پرداخته شود.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

اهداف

- بررسی مبانی، جایگاه و معنای آزادی از دیدگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)
- بررسی و مذاقه مفهوم آزادی، قلمرو و حدود آن از منظر امام خمینی (ره)

سؤالات

- مبانی و جایگاه مفهوم آزادی از دیدگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) چگونه مورد مذاقه و بررسی واقع شده است؟

- معنای آزادی و انواع، ابعاد، ماهیت، منشأ، قلمرو و حدود آن در اندیشه امام خمینی^(ره)
چگونه شکل یافته است؟

پیشینه تجربی تحقیق

در رابطه با مفهوم آزادی از منظر امام خمینی^(ره) به صورت خاص و با همین عنوان و هدف و مقصود هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته است، اما اگر بخواهیم به صورت کلی، به تحقیقاتی که مفهوم آزادی را از دیدگاه امام خمینی^(ره) بدون وارد شدن به جزئیات آن بررسی نموده‌اند نگاهی بیندازیم، می‌توان به کارهای ذیل اشاره نمود:

۱. بررسی نقش و جایگاه آزادی مدنی در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی^(ره)

این پایان‌نامه را محمدصادق والی در سال ۱۳۹۲ و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز چاپ شده است. این پژوهش در قالب چهار فصل به بررسی مفهوم آزادی مدنی و انواع آن از دیدگاه حضرت امام خمینی^(ره) پرداخته است.

۲. مستندات قرآنی و حدیثی (نهج البلاغه‌ای) دیدگاه امام خمینی^(ره) در خصوص امنیت و آزادی

این پایان‌نامه را مریم سلم‌آبادی فراهانی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه قم چاپ کرده است. همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، نویسنده سعی در گردآوری مستندات قرآنی و حدیثی (نهج البلاغه‌ای) دیدگاه امام خمینی^(ره) در خصوص امنیت و آزادی نموده است.

۳. آزادی در اندیشه امام خمینی^(ره)

این پژوهش را عبدالوهاب فراتی در ۱۳۸۶ و در فصلنامه حکومت اسلامی به چاپ کرده است و نویسنده در این تحقیق، برآن بوده تا مفهوم آزادی غربی و آزادی دوران پهلوی را از دیدگاه امام خمینی^(ره) مورد نقد و بررسی قرار دهد.

همان‌طور که گفته شد، علی‌رغم عنوان‌های نزدیک پژوهش حاضر با پژوهش‌هایی که قبلاً صورت گرفته است، اما باید گفت که از حیث محتوایی هیچ‌کدام از این تحقیقات به‌صورت ریز و دقیق نتوانسته‌اند مفهوم آزادی را از حیث انواع متغیرهای مدنظر تحقیق، مورد بررسی و کالبدشکافی قرار بدهند و تحقیقات گفته شده معمولاً به‌صورت خیلی کلی، سعی در واکاوی مسئله مذکور داشته‌اند که این مزیت ورود به جزئیات، پژوهش حاضر را متفاوت‌تر و جدیدتر از سایر کارها مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

تعریف مفهوم آزادی

نظر به تعریف و تبیین آزادی در جوامع مختلف و بهره‌مندی و بهره‌برداری از آن در جهت منافع و تأمین نظریات خویش، آزادی در فرهنگ‌های مختلف و نزد اندیشمندان مختلف بالتبع نیز معانی متفاوتی دارد؛ چنانچه در فرهنگ لغت دهخدا، از کلمه آزادی با عناوینی چون حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب یاد می‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۷). همچنین از این کلمه در فرهنگ لغت معین، با عناوینی مثل آزادگی، آزاده بودن، رهایی، خلاص، شادی، خرمی، استراحت، آرامش، جدایی، دوری، شکر و سپاس نام برده شده است (معین، ۱۳۸۶).

چنانچه بایستی اذعان نمود که بنا به تعاریف متفاوت از مفهوم آزادی در فرهنگ‌های مختلف، می‌توان اشاره نمود که آزادی در فرهنگ غربی «ابزاری» است برای نفوذ و دخالت و فشار بر جامعه‌های گوناگون و تأمین منافع نامشروع قدرت‌های شیطانی و از ابعاد مختلف آزادی، بیشتر به بعد هوسرانی و لذت‌جویی و هرزگی و بی‌بند و باری آن نظر دارند، تا نیروهای مؤثر و اعضای جوامع را مسخ نموده و از هویت خویش تهی نمایند؛ اما آزادی‌ای که اسلام به بشریت هدیه نموده است، آزادی مشروط و دارای حد و مرز معقول و منطقی است که با فطرت و نهاد آدمی و جامعه بشری انطباق دارد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۷۷). آن‌طور که از منظر اندیشمندانی همچون مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، آزادی یک امر ضروری می‌باشد که در شمار حقوق طبیعی و اولیه بشری جای دارد که از سوی دولت‌ها به

شهروندان اعطا نشده است، بلکه نعمتی از طرف خداوند بوده است؛ چنانچه ایشان به واقع با تحلیل آزادی در اسلام، شرق و غرب و پس از طی سه مرحله، تعریفی از آزادی و به‌خصوص آزادی سیاسی ارائه می‌دهند. در مرحله نخست، تأکید دارند که جامعه اسلامی باید در مفهوم آزادی، مستقل از غرب و شرق بیندیشد و یک فکر تقلیدی نداشته باشد؛ در مرحله دوم، آزادی در مکتب اسلام را به آزادی از غیر خدا تعریف می‌کنند و در نهایت ایشان با توجه به این دو مرحله، آزادی را به نقش و مشارکت مردم در نظام سیاسی تعریف می‌کنند (پورگرگی، ۱۳۹۰: ۱). چنانچه ایشان با تأکید بر آزادی سیاسی، خطاب به همه مردم بیان می‌کنند: در اسلام، هر فردی دارای حق آزادی است و نمی‌توان شخصی را به دلیل داشتن فکر سیاسی مؤاخذه کرد؛ گرایش‌های سیاسی و اندیشه‌های سیاسی در جامعه اسلامی آزاد است و هیچ‌کس را نمی‌توان به جرم داشتن یک فکر سیاسی یا یک فکر علمی مورد تعقیب قرار داد و اسلام اجازه این کار را نمی‌دهد (بیانات، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷). همچنین ایشان در اهمیت مفهوم آزادی اشاره می‌کنند که ما بایستی مستقل فکر کنیم، تقلیدی و تبعی فکر نکنیم، چراکه اگر در این مسئله، که پایه بسیاری از مسائل و پیشرفت‌های ماست، بنا شد تقلید کنیم، خطای بزرگی مرتکب شدیم و نتیجه تلخی در اختیار خواهد بود (بیانات، ۱۳۷۷/۶/۱۲). بنابراین، به نظر می‌رسد که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تعریفی مشخص و خاص از آزادی ارائه نداده‌اند، اما طبق بیانات ایشان بایستی خاطر نشان نمود که مهم‌ترین تفسیرهایی که ایشان از واژه آزادی بیان نموده‌اند، عبارت‌اند از: آزادی بیان، آزادی تفکر، آزادی مذهبی، آزادی خواهی و آزادمنشی.

بنابراین درکل، باید بدانیم که آزادی به معنای رها بودن از هر قید و بند و نبودن مانع بر سر راه فرد و این که هرکس هر کاری که مایل است و دوست دارد انجام دهد، در هیچ‌یک از مکتب‌ها، فرهنگ‌ها و نظرات فلسفی و اجتماعی به صورت یک ارزش ذکر نشده است. از آزادی بی‌بندوباری و آزادی مطلق، هیچ‌کس در دنیا طرفداری نکرده و ممکن هم نیست. در جامعه بشری اگر فرض کنیم یک انسان در هر کاری که مایل است انجام بدهد آزاد باشد و هیچ مانعی بر سر راه او نباشد، نفس این آزادی، به‌طور طبیعی، آزادی بسیاری از مردم دیگر را محدود خواهد کرد و راحتی، امنیت و آسایش آنها را سلب خواهد کرد. پس آزادی انسان به صورت

مطلق، نه ممکن است و نه کسی طرفدار آن است و فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت کند. حتی آنارشیست‌هایی که در قرن نوزدهم و بیستم، در اروپا پیدا شدند و شعار آزادی از تمام قوانین و قیود اجتماعی را سردادند هم به حدود و قیودی معتقد بودند و در عمل، آنها را رعایت می‌کردند. خلاصه آزادی به معنای مطلق، که انسان هرچه اراده کرد برایش مباح باشد، نه منطقی است و نه ممکن (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

آزادی مفهومی است که پیامبران الهی، عارفان و فیلسوفان بزرگ آن را ستوده‌اند، ولی کسانی نیز بوده و هستند که انحراف‌ها و کجروی‌های خود را با نام آزادی توجیه می‌کنند. اینگونه برداشت‌های نادرست سبب می‌شود که کم‌کم مفاهیمی مانند آزادی دو معنی و دو کاربرد بیابند:

۱. معنایی ژرف، اصیل و مقدس ۲. معنایی هرزه، سطحی و بی‌مقدار. ازسوی دیگر، اگر واژه‌ای چند معنا و کاربرد پیدا کند، راه مغالطه و سوءاستفاده برای سفسطه‌گران و فرصت طلبان هموار می‌گردد (صادقی، ۱۳۹۲).

روش تحقیق

با توجه به نوع تحقیق که توصیفی-تحلیلی می‌باشد، شرایط اقتضا می‌کند که جهت مفهوم‌سازی آزادی در بین دیدگاه گفته شده، از روش کتابخانه‌ای استفاده گردد. همچنین با توجه به کالبدشکافی دیدگاه امام خمینی (ع)^(۷) در پژوهش حاضر، می‌توان از تحلیل محتوای آثار امام خمینی (ع)^(۸) نیز استفاده نمود؛ بدین ترتیب که بعد از گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به دیدگاه مذکور از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، جهت آوردن نمونه‌ها و شاخص‌های لازم در هر بخش، تحلیل محتوای آثار امام، خاصه صحیفه امام، ضرورت پیدا کرد. مهم‌ترین وجوه و متغیرهایی که در این پژوهش سعی می‌گردد در دیدگاه حضرت امام بررسی و مورد مذاقه واقع شوند عبارت‌اند از:

الف. معنا، مفهوم، ماهیت، مبنا و انواع و اقسام آزادی؛ ب. مبانی، جایگاه و اهمیت آزادی؛

ج. مرزها، قلمرو و حدود آزادی.

یافته‌های تحقیق

در این بخش و در راستای اینکه بخواهیم به سؤالات پژوهش پاسخی دقیق ارائه نماییم، مناسب دیدیم که نگاهی جامع به اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره) داشته باشیم تا از لابلای بیانات و اندیشه‌های ایشان، توانسته باشیم به درک کاملی از این مفهوم از دیدگاه حضرت امام دست پیدا کرده باشیم؛ زیرا آنچه که کاملاً واضح و آشکار به نظر می‌رسد این واقعیت است که حضرت امام همواره اهمیت خاصی برای آزادی و نیل به آن، به‌عنوان یکی از پایه‌های ترقی و رشد یک جامعه، قائل بوده‌اند. بنابراین در جهت نیل به اهداف و ارائه پاسخی مناسب و شایسته به پرسش‌های پژوهش، ابتدا تلاش بر این است که به این سؤال جواب داد که مبانی و جایگاه مفهوم آزادی از منظر و اندیشه حضرت امام خمینی^(ره)، چگونه قابل توصیف و بررسی می‌باشد که در ذیل به این هدف جامه عمل پوشانده می‌شود.

مبانی و جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی^(ره)

برای نیل و ارائه پاسخ مناسب به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه مبانی و جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی^(ره) چگونه شکل گرفته است و اساساً اهمیت دستیابی به این مفهوم از دیدگاه ایشان را چگونه می‌توان نمایش داد، ابتدا بایستی از لحاظ فلسفی دیدگاه ایشان در مورد جایگاه انسان را مورد بررسی قرار داد تا در نهایت، بتوان در جهت ارائه پاسخی مناسب به این سؤال، موفق گشت. براین مبنا، باید گفت که نقطه عزیمت دیدگاه حضرت امام درباره آزادی هستی‌شناسانه است؛ بنابراین برای فهم دیدگاه امام باید از هستی‌شناسی او آغاز کرد، سپس به انسان‌شناسی او رسید. براین اساس، می‌توان مبانی آزادی از دیدگاه امام خمینی^(ره) را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. هستی‌شناسی: دیدگاه حضرت امام درباره آزادی همانند سایر مفاهیم و مقوله‌های دیگر مبتنی بر هستی‌شناسی و جهان بینی توحیدی است و ریشه همه عقاید و باورها و آموزه‌ها اصل یگانگی است که براین اساس حضرت امام می‌فرمایند:

«ریشه و اصل همه عقاید، که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. براین اساس، هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. ما از اصل اعتقادی خویش، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و/یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۸۸-۳۸۷).

امام خمینی (ره) رابطه‌ای بین اصل توحید و آزادی می‌بیند و می‌فرماید:

«ما از اصل اعتقادی توحید اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی یا جامعه یا ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند و رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود، که بسیار ناقص است، و/یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید و از این اصل ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تبارک و تعالی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۸۸-۳۸۷).

۲. انسان‌شناسی: نظریه انسان‌شناسی امام خمینی (ره) مرکز اندیشه وی می‌باشد، وی انسان را از زاویه‌ها یا منظرهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- مراتب وجودی انسان: از منظر امام خمینی (ره) مطلبی که اهمیت دارد «این است که انسان ملتفت باشد این مطلب را که اولاً خود انسان - این موجود که عصاره همه خلقت است - جنبه‌های مختلف شئون مختلف دارد (از جنبه‌ای با نباتات شریک است. همان‌طور که نمو آنها به آب است و یک غذایی از زمین، نمو انسان هم مثل نباتات دیگر از زمین است و از برکاتی که خدای تبارک و تعالی داده است و جنبه حیوانی هم مثل سایر حیوانات دارد: چشم و گوش و کذا و ادراکات جزئی، و اینها هم مشترک است با سایر حیوانات. و بالاتر از این هم - البته در حیوانات هم ضعیف‌تر است - یک مرتبه مثالی انسان دارد که در آنجا زائد بر این مطالب حیوانی چیزهایی هست و یختص انسان به تعقل و به یک معنویت و یک تجرد باطنی که سایر حیوانات این مرتبه تعقل و مرتبه «تجرد نفسانی» را ندارند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۳: ۲۱۸).

- انسان موضوع علم پیامبران: «... تمام انبیاء موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی ما فوق الطبیعه، مافوق الجبروت برسانند. تمام بحث انبیا در انسان است. از اول، هرکس، هر یک از انبیاء که مبعوث شدند، مبعوث شدند برای انسان و برای تربیت انسان...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۸: ۳۲۴).

بشر در جستجوی کمال مطلق: «این بشر یک خاصیت‌هایی دارد که در هیچ موجودی نیست. من جمله این است که در فطرت بشر؛ طلب قدرت مطلق است، نه قدرت محدود. طلب کمال مطلق است، نه کمال محدود. علم مطلق را می‌خواهد؛ قدرت مطلقه را می‌خواهد... بشر انحصار طلب است. کمال مطلق را می‌خواهد که خودش داشته باشد... الآن این دو قدرتی که در عالم هست، در زمین است. این دو قدرت هیچ‌کدام راضی به آن ابرقدرتی خودشان نیستند. دولت آمریکا می‌خواهد که روسیه شوروی نباشد و خودش باشد. شوروی هم می‌خواهد که آمریکا نباشد و خودش باشد. و توهم این را می‌کنند که کافی است برایشان! و حال آنکه اگر تمام زمین را به یکی بدهند، می‌رود دنبال آنچه ندارد. قانع نمی‌شود به آنچه دارد. دنبال آن چیزی است که ندارد، برای اینکه عشق به کمال مطلق دارد، عشق به قدرت مطلقه دارد. اگر تمام عالم را، تمام این کهکشان‌ها و تمام این سیارات و ثوابت و هر چه هست در تحت سلطه یک نفر بیاید، باز قانع نمی‌شود...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۴: ۲۰۶-۲۰۵).

انسان موجودی جامع: «انسان یک موجود جامع است نه یک موجود یک بعدی یا دوبعدی. موجودات دیگر بعضی‌شان یک بعدی‌اند، بعضی دوبعدی‌اند، بعضی چندبعدی‌اند، لکن همه ابعاد وجود در سایر موجودات نیست. فقط انسان است در بین همه موجودات، که یک موجود چندین بعدی است که برای هر بعدش احتیاجات دارد...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۸).

امام خمینی^(ره) در ادامه بحث به مقایسه مکاتب مادی و اسلام در برآوردن نیاز انسان پرداخته و می‌فرمایند که اسلام به همه ابعاد انسان توجه نموده است.

توجه اسلام به همه ابعاد انسان: «اسلام برای این انسانی که همه چیز است؛ یعنی از طبیعت تا ماورای طبیعت تا عالم الهیت مراتب دارد، اسلام تز دارد، برنامه دارد اسلام. اسلام می‌خواهد

انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن طور که هست بدهد... اسلام برای حکومت اسلامی دارد، برای تشکیلاتش دستور دارد؛ برای مقابله با دشمنان دستور دارد، برای تحرک جامعه دستور دارد، برای رسیدن به ماوراء طبیعت دستور دارد، همه اینها را دارد...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۱۰-۸).

بعد از ارائه پاسخی نسبتاً مناسب و شایسته به سؤال نخست پژوهش، در این بخش لازم دیده شد که به سؤال بعدی (معنای آزادی، انواع، ابعاد، ماهیت، منشأ، قلمرو و حدود آن در اندیشه امام خمینی^(ره)) چگونه شکل یافته است؟) بتوان پاسخی مناسب ارائه نمود. بنابراین برای رسیدن به چنین هدفی، شایسته دیدیم که هرکدام از ابعاد این سؤال به صورت جداگانه مورد بررسی واقع شوند تا بتوان به توصیفی کامل نسبت به هرکدام از آنها دست پیدا نمود؛ همان طور که در ذیل آمده است، ابتدا سعی خواهد شد به معنای آزادی از منظر امام خمینی^(ره) دست یافت و سپس بررسی وجوه آن مورد تأکید قرار بگیرد.

معنای آزادی از منظر امام خمینی^(ره)

حضرت امام خمینی^(ره) در بیانات و سخنان خود وجوه مختلف آزادی را مطرح نموده‌اند که بایستی از لابلای این بیانات به تعریف این مفهوم از دیدگاه ایشان پی برد؛ بنابراین اگر بخواهیم طبق بیانات ایشان مفهوم آزادی را مطرح نمود، باید اذعان نمود که امام خمینی^(ره) درباره تعریف آزادی معتقد است که:

«آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامش نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی به شما الزام نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید... آزادی یک چیز واضحی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱: ۲۵۶)

آزادی از نظر امام خمینی^(ره)، متأثر از دیدگاه اسلامی بوده و ایشان آزادی را از حقوق اولیه انسان‌ها می‌داند چنانچه فرموده‌اند:

«حق اولیۀ بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم، من می‌خواهم حرفم آزاد باشد، من می‌خواهم مستقل باشم، من می‌خواهم خودم باشم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۳: ۵۱۰).
طبق این نظر، می‌توان انسان را موجودی دارای اختیار آزادی در تصمیم‌گیری و انجام کنش دانست؛ با توجه به دو نظر بالا، دو بعد سلبی و ایجابی آزادی انسان در حوزه عمل و کنش مورد توجه قرار گرفته است که اولی بیان‌کننده حوزه خواست در اراده او و تحقق عملی آن می‌باشد و دومی حوزه عدم مداخله دیگران است که هیچ فردی حق ندارد انسان و/یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند.

ماهیت آزادی از منظر امام خمینی^(ره)

در مورد ماهیت آزادی، با استناد به بیانات و سخنان حضرت امام خمینی^(ره)، باید گفت که می‌توان آزادی را به‌عنوان حقی طبیعی و خدادادی برای انسان‌ها تلقی نمود، نه به‌عنوان وسیله‌ای که دیگران آن را اعطا نموده‌اند؛ همچنین ایشان آزادی را موضوعی در نظر گرفته که به سود انسان‌هاست. همان‌طور که از بیانات ایشان مشخص است که ماهیت آزادی برای انسان‌ها به چه صورتی می‌باشد:

«این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی‌ای است که اعطا فرموده‌اند؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به تو چه که اعطا بکنی؟ تو چه کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم!» آزادی اعطایی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی حقیقتاً نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۳: ۴۰۶ و ۴۰۷).

«این آزادی که الآن برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادید بیاید بیرون مطالبتان

را بگویید، انتقاد از دولت بکنید، انتقاد از هرکس که پایش را کج گذاشت بکنید. هیچ کس نیست که به شما بگوید چرا...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۰: ۳۲۳).

«اسلام و همهٔ مکتب‌های توحیدی آمدند که این مردم را از این قید رها کنند، آزاد کنند از این قیدهایی که به قلوب آنها انداختند و همه چیز آنها را تحت قید و اسارت قرار دادند. اسلام برای آزادی از اسارت آمده، نه فقط اسارت مادی که نفت ما را ببرند. پیش اسلام، نفت مطرح نیست. باید حفظ بشود، اما مقصد اسلام نفت نیست. مقصد اسلام خانه نیست. مقصد بالاتر دارد و همه چیز در آن هست. یعنی اسلام همان طوری که به جهات مادی این عالم و جهات حکومتی این عالم [توجه دارد]، به جهات معنوی هم توجه دارد و توجه به جهات معنوی بالاتر از توجه به جهات مادی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۱: ۲۱۹).

ابعاد آزادی از منظر امام خمینی (ره)

در این راستا، باید اذعان نمود که حضرت امام آزادی را در ابعاد زیادی مورد توجه قرار داده است که با استناد به بیانات ایشان می‌توان گفت مهم‌ترین این ابعاد عبارت‌اند از:

۱. آزادی بیان و عقیده

از منظر حضرت امام، این بُعد از آزادی باید برای همگان وجود داشته باشند و همواره طرفدار این اندیشه بوده‌اند که زمامداران حکومتی باید در جایگاهشان انتقادپذیر باشند و در برابر عقیدهٔ مردم گوش فرا دهند. چنانچه با توجه به بیانات ایشان که در ذیل آورده می‌شود به وضوح، دیدگاه ایشان در این رابطه مشخص می‌گردد.

«آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۶: ۲۶۲). در حکومت اسلامی، همهٔ افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۳۵). «اولین چیزی که برای انسان هست، آزادی در بیان است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۲۴۳). «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف

اسلامی خود عمل کرده باشد_ خودبه‌خود_ از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۴۱۰).

«اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد و از طرح مکتب‌های دیگر که انحراف آنها در محیط خود آن مکتب‌ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم! نباید با پیروان مکتب‌های دیگر با خشونت و شدت، رفتار و درگیری و هیاهو راه بیندازید. خود با آنان به بحث و گفتگو برخیزید و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنان در بحث بنشینند تا تهی بودن دست آنان ثابت شود و اگر آنان با جنجال و هیاهو با شما مواجه شدند، از آنان اعراض کنید و با خونسردی بگذرید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۰: ۸۲). در چارچوب این نهضت (انقلاب اسلامی)، همه مردم آزاد هستند. کسانی که هم حرف دارند، حرف‌هایشان را می‌زنند، حتی هر فرقه‌ای باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۲: ۳۲۴). «دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و هرکس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمام منطقاتها را با منطق جواب خواهد داد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۴۱۱ - ۴۱۰). «در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود و لکن هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۱۳۹). «در جمهوری اسلامی، کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۳۶۳ و ۳۶۴).

۲. آزادی مطبوعات

همچنین حضرت امام در اهمیت این بُعد و مسئله، طبق بیاناتی که فرموده‌اند، اظهار نموده‌اند که مطبوعات نیز بایستی از نوعی آزادی برخوردار باشند که به واسطه آن توان نشر حقایق را داشته باشند تا بدین وسیله مردم جویای همه وقایع باشند؛ البته در این راستا، ایشان نکاتی را تذکر نیز داده‌اند که طبق بیانات ایشان، که در ذیل آمده است می‌توان به این وجوه پی برد.

«مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند و همه‌گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر سازند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۲: ۲۱۰). مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴: ۲۶۶).

۳. آزادی احزاب

از وجوه و ابعاد دیگر آزادی، که حضرت امام نیز همواره بر آن تأکید نموده‌اند، می‌توان به آزادی احزاب اشاره نمود که باز در اینجا اصول خاصی را متذکر گشته‌اند که با ذکر نمونه‌ای از این بیانات، این امر روشن‌تر می‌شود.

«کشور اسلامی ایران دارای یک مجلس است که اعضای آن از طریق آرای عمومی مردم انتخاب خواهند شد و تنها به گروه‌هایی اجازه شرکت در انتخابات داده خواهد شد که به منافع ملی احترام بگذارند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۴۴۶).

«بعضی از احزابی که انحرافی هستند معذالک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به‌طور آزاد. پس بدانید که این‌طور نیست که ما با احزاب دیگری یا گروه‌های دیگری دشمنی داشته باشیم. البته ما میل داریم که همه گروه‌ها و همه احزاب به اسلام برگردند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۴: ۳۴۳).

۴. آزادی اقلیت‌ها

«بعد دیگر آزادی از منظر حضرت امام، آزادی اقلیت‌هاست که ایشان تأکید خاصی بر این امر داشته‌اند. همان‌طور که از بیانات ایشان این مسئله کاملاً روشن است.

«اقلیت‌های مذهبی در اسلام احترام دارند، آزاد هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۲: ۳۹). «در اسلام، ما بین اقشار ملت‌ها هیچ فرقی نیست، در اسلام، حق همه ملت‌ها مراعات شده است، حقوق مسیحین مراعات شده است، حقوق یهود و زرتشتیان مراعات شده است، تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آنان قائل است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۶: ۴۶۸).

۵. آزادی حق رأی

از دیگر ابعاد آزادی از منظر حضرت امام، آزادی حق رأی می‌باشد که ایشان تأکیدش در این مورد این موضوع می‌باشد که هرکس در رأی دادن خود احساس آزادی کند و کسی را نتوان به رأی دادن به شخص خاصی مجبور نمود. در این راستا، ایشان می‌فرمایند:

«احدی در سراسر ایران، الزام نکرده است کسی را که رأی به این بده یا به او بده. الزام به رأی دادن هم نکرده است. لکن تکلیف شرعی گفته شده است، ما اگر می‌گوییم تکلیف شرعی می‌گوییم و الا نه این است که ما الزامشان بکنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۸: ۴۱۳).

۶. آزادی زنان

از دیگر وجوه آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره)، مسئله آزادی زنان است که امام براساس خاستگاه اندیشه سیاسی خود دریافتی ناب از اسلام را بیان می‌کند که جوابگوی بسیاری از پرسش‌ها در مورد مهجور ماندن زنان در اسلام است؛ چنانچه در این باره فرموده‌اند:

«اسلام با آزادی زنان نه تنها موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۱۷۹). علاوه بر آن، حضرت امام در بیانات خود آزادی زنان را از نظر حقوق و حدود کاملاً مشخص نموده و در این باره می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل این که مفسده می‌آفرینند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد، اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۱۸۹).

حضرت امام همچنین در مسائل اجتماعی و سیاسی، زنان را دارای حقوقی برابر با مردان می‌داند و نقش آنان را در سازندگی همانند مردان در نظر می‌گیرد:

«زنان، همچون مردان، در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند، آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه‌گونه آزادی به زن خواهیم داد، البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۵۲۰).

۷. آزادی به‌مثابه یکی از ارکان تمدن و توسعه جامعه

«اول مرتبه تمدن آزادی است، مملکتی که آزادی ندارد، تمدن ندارد، یک مملکتی که استقلال ندارد، نمی‌شود گفت یک مملکت متمدن است، مملکت متمدن آن است که آزاد باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۳-۳۲).

در راستای ارائه توصیفی مناسب از ابعاد و حدود مفهوم آزادی نزد حضرت امام خمینی (ره)، باید خاطر نشان نمود که در دیدگاه امام خمینی (ره)، ارزش آزادی از جایگاه والایی برخوردار بوده است و همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، در بنبوحه انقلاب، حضرت امام بارها و بارها بر اهمیت این موضوع تأکید می‌نمودند و همواره مردم را به تحقق چنین امری مطابق با دستورات قرآنی و اسلام دعوت می‌نمودند که این نشانگر این مهم بود که ایشان اهمیت خاص و فوق‌العاده‌ای برای این مفهوم و تحقق آن در جامعه قائل بوده‌اند؛ همچنین باید اذعان نمود که این اهمیت از منظر ایشان به‌حدی بوده است که همواره سعی نموده‌اند از آزادی به‌عنوان نعمتی الهی نام ببرند که نیل به آن، زمینه‌ساز بسیاری از عوامل دیگر می‌باشد اما ایشان همواره برای آزادی حدود و قلمروی خاصی قائل بوده‌اند و براساس این محدوده‌ها، از آزادی با عناوین مهمی نام می‌برد که هرکدام به تنهایی نیز بیانگر اهمیت بالای این مفهوم در اندیشه و نگاه حضرت امام بوده است. بنابر آنچه گذشت و با تکیه بر برخی دیگر از وجوه فرمایشات حضرت امام، قلمرو و حدود آزادی از منظر امام خمینی (ره) بیشتر مشخص می‌گردد که براین‌اساس، حضرت امام قلمرو، حدود و میزان آزادی را در دو بعد فردی و اجتماعی مطلق نظر قرار داده‌اند، که بنا به برخی بیانات ایشان که ذکر گردید، رعایت کردن اصول و قوانین اسلامی، نیل به سعادت و عدم توطئه،

هرج و مرج، تباهی جوانان، فحاشی و... را به‌عنوان مهم‌ترین قلمرو و حدود آزادی بیان نموده‌اند که اهمیت این موضوع با تکیه بر این بیانات بیشتر نمود پیدا می‌کند.

علاوه‌بر موارد بیان شده، از منظری دیگر در دیدگاه حضرت امام، آزادی به دو حریم خصوصی که بیان‌کننده آزادی در سطح خصوصی و فردی است که شامل حوزه‌های اعتقادی، بیان، شغل، کسب و... می‌باشد و حریم عمومی که بیان‌کننده آزادی‌ها در سطح جامعه است؛ یعنی آزادی در مواردی که به سرنوشت مشترک با دیگران یا آزادی‌های مدنی ارتباط می‌یابد، تقسیم شده است.

درنهایت، باید اذعان نمود که حضرت امام آزادی را در ابعاد و زمینه‌های زیادی مورد توجه قرار می‌دهد. چنانچه در دیدگاه وی آزادی مفهومی محدود به یک بعد خاص نیست، بلکه همواره ایشان طرفدار برقراری آزادی در همه ابعاد آن، منتها در چارچوب قوانین الهی و اسلام، بوده است و از برقراری آزادی به شکل آنچه که در غرب اجرا می‌شود، پرهیز می‌کند و به شدت مخالف آن است؛ چراکه به عقیده وی، چنین آزادی‌ای نه تنها سبب توسعه و پیشرفت جامعه نمی‌شود، بلکه باعث ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی نیز می‌گردد. از سوی دیگر، باید اذعان نمود که مفهوم آزادی از منظر امام خمینی^(ره) دو بُعد، آزادی منفی (رهایی از ظلم و جور و استبداد حاکم) و آزادی مثبت (ایجاد نهادهای تثبیت‌کننده آزادی و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود) را در برمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

مسائل مطرح شده در بالا، در مورد آزادی از دیدگاه حضرت امام تنها نگاهی اجمالی از نظرات او در مورد آزادی است و علاوه‌بر اینها موارد دیگری نیز دارد که به دلیل اطالۀ کلام از آن صرف‌نظر نمودیم؛ با وجود این، می‌توان دیدگاه حضرت امام خمینی^(ره) را با توجه به متغیرهای گفته شده از مفهوم آزادی در قالب جدول ذیل خلاصه نمود و به‌صورت نتیجه‌گیری و جمع‌بندی پژوهش حاضر مدنظر قرار داد.

جدول شماره ۱ خلاصه دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در باب مفهوم آزادی

دیدگاه متغیرها	امام خمینی (ره)
مبنا	مبنای آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره) با تکیه بر مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ایشان، جهان‌بینی توحیدی، جلوگیری از هرج و مرج، برقراری نظم و ترتیب، توسعه و پیشرفت جامعه و نیل به سعادت می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۸۷-۳۸۸؛ ج ۱: ۲۸۷؛ ج ۵: ۳۳-۳۲؛ ج ۱۱: ۴۲-۳۴)
معنا و مفهوم	آزادی از نظر امام خمینی (ره)، متأثر از دیدگاه اسلامی بوده و ایشان آزادی را از حقوق اولیه انسان‌ها می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۴۳؛ ج ۳: ۴۰۷-۴۰۶؛ ج ۷: ۴۸۷؛ ج ۱۱: ۲۱۹؛ ج ۴: ۲۴۲).
ریشه و منشأ	از نظر امام خمینی (ره)، ریشه و اصل همه عقاید که مهم‌ترین و باارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است و بنابراین آزادی از دیدگاه ایشان ریشه الهی و وحیانی دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۳۸۷-۳۸۸).
ماهیت	آزادی حق انسان است و چیزی اعطا کردنی نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۳: ۴۰۷-۴۰۶؛ ج ۷: ۲۳۱؛ ج ۵: ۳۸۷-۳۸۸؛ ج ۱۸: ۴۶۸؛ ج ۱۲: ۳۹؛ ج ۶: ۴۶۸).
ابعاد	هم فردی و هم اجتماعی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۳: ۵۱۰؛ ج ۱۰: ۳۲۳؛ ج ۵: ۵۲۰).
انواع و اقسام	هم مثبت و هم منفی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۲۱: ۴۳۶؛ ج ۱۰: ۱۸۸؛ ج ۱۲: ۵۰۵؛ ج ۳: ۵۱۰؛ ج ۱: ۲۵۶؛ ج ۷: ۲۳۱).
محدوده	از دیدگاه ایشان، خداوند برای انسان آزادی وضع کرده است و هیچ‌کس حق ندارد انسانی دیگر را از آزادی محروم کند. بنابراین، آزادی براساس قوانین الهی برای انسان قابل تصور است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۲: ۲۸۳؛ ج ۶: ۴۶۶؛ ج ۷: ۴۸۷؛ ج ۳: ۵۱۰؛ ج ۵: ۳۸۷-۳۸۸؛ ج ۱۷: ۱۴۳-۱۴۱).
حد مجاز	بر پایه رعایت حقوق دیگران (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۱۴۳-۱۴۱؛ ج ۳: ۵۱۰؛ ج ۱۱: ۴۹۵-۴۹۴؛ ج ۸: ۲۷۴).
قلمرو و مرز	اسلام آزادی مطلق را مانع رسیدن انسان به کمالات می‌داند و امام معتقد بود این نوع آزادی به هرج و مرج می‌انجامد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ج ۸: ۲۷۴؛ ج ۱۱: ۴۹۴-۴۹۵؛ ج ۲۱: ۴۳۶؛ ج ۴: ۳؛ ج ۱۲: ۲۸۳).

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، *ما و مدرنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- برلین، آیزایا (۱۳۶۸)، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه علی محمد موحد، تهران: خوارزمی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۷۷): www.hawzah.net/question.view
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۸۵): www.hawzah.net/question.view
- پورگرگی، محمود علی (۱۳۹۰)، «بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۶: ۱۹۹-۲۲۶.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷)، «آزادی از نظر اسلام و غرب»، *نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۱۴: ۲۱-۳۶.
- سلم آبادی فراهانی، مریم (۱۳۹۲)، *مستندات قرآنی و حدیثی (نهج البلاغه ای) دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص امنیت و آزادی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۸)، *مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، آینه پژوهش، شماره ۵۸: ۲۸۰-۲۹۹.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- فاضل میبدی، محمد تقی (۱۳۷۸)، *دین‌داری و آزادی*، تهران: آفرینه.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۶)، «آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۲: ۱۴۳-۱۶۰.
- صادقی، رضا (۱۳۹۲)، *تفاوت مفهومی و کارکردی آزادی در اسلام و غرب*، مصاحبه با روزنامه جوان.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات زرین.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، *مجموعه صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مونتسکیو، شارل. دو (۱۳۴۹)، *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مجتهدی، تهران: امیرکبیر.

- والی، محمدصادق (۱۳۹۲)، بررسی نقش و جایگاه آزادی مدنی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

